

عباسقلی واعظ چرندابی ؛ خطیب مبارز

میرزا عباسقلی صادقپور وجدی مشهور به واعظ چرندابی ، در سال ۱۳۱۵ هجری قمری مطابق با سال ۱۲۷۶ هجری شمسی) در شهر تبریز به دنیا آمد.



درآمد

چرنداب از محله های قدیمی و عالم خیز تبریز محل ولادت و رشد فرزندان نام آوری چون آخوند ملا مهدی چرندابی، پدر حاج میرزا حسن رشیدیه حاج میرزا ابراهیم زاده عطاری (پیش نماز لیل آبادی، آیت الله حاج میرزا محمد علی چرندابی و میرزا عباسقلی واعظ چرندابی است. این مقاله نگاهی دارد به زندگی سراسر تلاش میرزا عباسقلی صادق پور وجدی معروف به واعظ چرندابی که یک عمر با مردم زیست و در کنار آنها به دیدار حق شتافت.

ولادت و تحصیلات

پس از طی دوره طفولیت به فراگیری علوم اسلامی همت گماشت و در محضر، آیت الله علی شریانی به تحصیل علوم آل محمد پرداخت. در ۱۶ سالگی با پدرش حاج صادق که مردی بی سواد و پاک سرشت بود، به زیارت بیت الله الحرام رفت و پس از بازگشت تحصیل را دنبال نمود. او پیش آیت الله میرزا لطفعلی آقا امام جمعه که در علم فلک و ریاضیات قدیمه و اسطرلاب و علوم غریبه تبحر زیادی داشت به تحصیل هیات و ریاضیات و... پرداخت. وی در مورد استاد اخیرش می گوید :

آن مرحوم به علت اشتیاق وافری که نسبت به کسب علوم داشتم علاقه زیادی به من ابراز می داشت و از تعلیم علومم هرگز خودداری نمی کرد.

سطوح مختلف حوزه را نزد اساتیدی، چون آیات: سید محمد مولانا، اسماعیل فقیه، سید مرتضی خسروشاهی و عالم ربانی حاج میرزا ابراهیم زاده عطاری فراگرفت و در بسیاری از علوم صاحب نظر گردید

او به علت فراز و نشیبهایی که در زندگی داشت موفق به تحصیل در مراکز علمی شیعی نشد و فقط در موطن خویش به تحصیل پرداخت. در این باره می گوید :

به علت ناسازگاری روزگار غدار در ادوار تحصیلی خود، نتوانستم به یکی از مراکز علم رهسپار شوم و لیکن شکر خدا را که در زادگاه خود از پانزدهم تا از خرمن فضل و دانش فضلا و دانشمندان عصر خوشه ای چیده و بار توشه ای بستم

فعالیت های علمی - فرهنگی

آیت الله چرندابی در کنار درس و بحث روزانه شروع به تدریس کتابهای حوزوی در سطوح پایین نمود و در حالی که ۲۱ سال از عمرش سپری نشده بود، مدرسه ای به اسلوب جدید تاسیس کرد که توجه بزرگان آن روز را به خود جلب نمود. وی در این خصوص می گوید :

در سال ۱۳۳۶ قمری مدرسه ای به نام «ارشاد» در محله «راسته کوجه» در محلی که مشهور به «دیک باشی» می باشد تاسیس کردم که دقت نظر اولیای وقت را بسی جلب می کرد در آن وقت دانشمند محترم جناب آقای حاج میرزا ابوالقاسم خان فیوضات، کفیل معارف و دکتر اعلم الملک سمت ریاست معارف را داشتند، و تشکیلات فرهنگی هنوز در کشور عزیزمان ایران مراحل ابتدایی خود را طی می کرد و پس از چندی که دانشمند فقید میرزا محمد علی خان تربیت ریاست معارف را عهده دار شدند، من از مدرسه ارشاد دست کشیدم و در مدرسه طالبیه در گوشه ای خزیدم و مدتی به تدریس علوم متداوله به ویژه ریاضیات قدیمه و منطق اشتغال ورزیدم و از متمولین محصلین اجرت مختصری می گرفتم و با آن امرار حیات می نمودم

در این اوقات بود که علما و حجج الاسلام وقت، بدین فکر افتادند که مدرسه ای تحت نظر خودشان بنام «مدرسه سرخاب و شتربان» در حوالی درب سرخاب جنب مسجد شاه تشکیل دهند. بالاخره مرا با اصرار تمام به مدیریت همان مدرسه واداشتند (در حدود ۱۳۴۱ هجری قمری) و چند سال با طرز جدید و مطلوب به خدمات فرهنگی خود ادامه دادم و آیت الله فقید و حجت الاسلام سعید مرحوم آقا میرزا صادق آقا مجتهد و مرجع تقلید - رحمه الله رحمه واسعه - تقدیر شایانی از خدمات و زحماتم به دستخط زیبای خود صادر فرمودند.

در این اوان جناب آقای حاج اسماعیل آقا امیر خیزی مدیریت مدرسه متوسطه (دبیرستان فردوسی کنونی) را در کوچه حرمخانه به عهده داشتند، پس از چند سال همان مدرسه را نیز ترک گفتم.

فعالیت های تبلیغی

میرزا عباس بعد از سال ۱۳۴۱ قمری وارد عرصه وعظ و خطابه گردید و در اندک مدتی استعداد خویش را نشان داد و در مجالس مهم شهر به سخنرانی پرداخت. خطابه های وی که بیشتر در موضوعات علمی و تطبیق آن با مسائل علم روز صورت می گرفت، سبب جذب جوانان و تحصیل کردگان به سوی او شد. وی در مورد خطابه هایش می گوید :

به وعظ و خطابه و تنویر افکار پرداختم، چون خطابه های من جنبه علمی داشته و با روح عصر موافق می بود، انعکاس و پیشرفت غریبی در میان اهالی شهر خصوصا طبقه فهمیده و محصل پیدا می کرد و مدت متمادی بدین خدمت مفتخر بود

از فعالیت های دیگر معظم له در شهر تبریز مبارزه با افکار پلید بهائیت بود که کم کم رواج پیدا می کرد. وی در این زمینه در محافل عمومی و خصوصی به بیان برتری اندیشه های ناب محمدی نسبت به بهائیت می پرداخت و با دلایل محکم عقاید پوچ آنها را برملا می ساخت. فعالیت های وی در این خصوص به قدری قابل توجه بود که در تشییع جنازه ایشان، خطیب معروف تبریز حاج میرزا حسن ناصرزاده که بر روی صندلی سخن می گفت در این مورد گفت : از امشب بهائیت به راحتی می خوابند. یعنی به آسودگی به فعالیت خود ادامه می دهند.

ارتباط با دانشمندان اسلامی

فکر پویای میرزا در تالیف و تحقیق و تلاش های مدققانه وی در عرصه های مختلف علمی موجب گردید با بسیاری از شخصیت های بزرگ اسلامی ارتباط و مکاتبه علمی داشته باشد و این روابط علمی تا آخر حیاتش باقی ماند.

او در این مورد می گوید :

در ادوار زندگی با بزرگان علم و دین و ادب روابط علمی داشته و دارم که به ذکر چند شخصیت بزرگ از آنان اکتفا می‌ورزم: آیت الله له شیخ محمد جواد بلاغی، آیت الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، آیت الله سید محسن عاملی و آیت الله سید عبد الحسین شرف الدین عاملی. اخیراً در اثر مطالعات و تتبعات ممتد صحت مزاج و چشمانم را از دست دادم و دیگر در مجالس مهم شهرستان تبریز نمی‌توانم شرکت نمایم، مگر در حال ضرورت، و با فضلا و دانشمندان ممالک اسلامی هنوز روابط علمی برقرار است

کتابخانه شخصی

واعظ چرندابی از روزهای نخست طلبگی به فکر تشکیل کتابخانه شخصی افتاد و توانست با تلاش فراوان کتابخانه مهمی تشکیل دهد که در نوع خود بی‌نظیر بود. او در مورد چگونگی تشکیل کتابخانه می‌نویسد:

«در سایه ذوق فطری به گردآوری کتب متنوعه مشغول شدم تا در عرض سالیان دراز به یاری خداوند بی‌نیاز موفق به تشکیل کتابخانه ای شدم که اکنون تعداد کتب و رسائل و مجلات آن قریب به 10 هزار جلد بالغ می‌شود و بیش از ۳۰ دوره تفسیر قرآن مجید در کتابخانه شخصی موجود است که در طی سالهای متمادی با خون دل جمع‌آوری شده است. کتابخانه ما از کتب مخطوطه نفیسه نادره مقدار کمی و مابقی تماماً کسوت طبع را پوشیده‌اند. و نوع کتب: تفسیر و حدیث و رجال و تاریخ و طب و تشریح و دائره المعارف و جغرافیا و کتب علوم عصری و قوامیس و فرهنگ های مهم عربی و فارسی و تاریخ ادبیات و کتب ادبیه هر دو زبان و ایران و عراق و ترکیه و سوریه و لبنان و مصر و هند و اروپا و غیره طبع و نشر شده‌اند»

او در وصیت نامه اش هم می‌نویسد:

«وقتی که اجلم فرا رسید و دیده از جهان فرو بستم، تمام کتاب های مخطوطه ام را به علاوه کتاب الانساب سمعانی و حدائق النجوم که در طی سالیان دراز با خون دل آنها را به دست آورده و در کتابخانه شخصی خود در تبریز جا داده ام، به کتابخانه آستان قدس رضوی علیه السلام اختصاص و انتقال دهند و البته مراتب را بر خلاف کتب مخطوطه، ثبت و ضبط نمایند که از این ناچیز یادگار باشد و یادی رود که گفته اند:

بسی می‌وزد مشکبو بادها

که ما رفته باشیم از یادها

پس از وفات ایشان در روز ۱۶ مهرماه ۱۳۴۶، ۳۴ نسخه خطی و تعدادی کتاب چاپی با مساعدت آیت الله سید محمد هادی میلانی و فرزند آن مرحوم تحویل نمایندگان کتابخانه آستان قدس رضوی گردید

آثار علمی

آیت الله چرندابی فردی پرمطالعه، پرکار و شخصیتی کم‌نظیر و مورد قبول در مجامع علمی بود. تعلیقات، پاورقی‌ها و مقدمه‌هایی که بر کتابهای مختلف نوشته‌نقادانه و محققانه است.

فرزندش حاج محمد صادق پور وجدی در مورد فعالیت‌های علمی پدرش می‌گوید:

آن مرحوم در دوران زندگی پرافتخار خود هیچ وقت دست از تحقیق برنداشت، حتی در واپسین حیاتش با وجود ضعف بصر و امراض طاقت فرسا مشغول فعالیت‌های علمی و دینی خود بود و بعض مقالات و یادداشت‌های دوران جوانی خود را به پایمردی و دستیاری این ناچیز تهیه و تنظیم می‌کرد؛ همچنین مقداری از متون مهم اسلامی را به دستخط شریفشان استنساخ کرده و بعض آن کتب را با نسخ و کتاب‌های دیگر مقابله و تصحیح نموده‌اند که فعلاً در کتابخانه شخصی آن مرحوم موجود و محفوظ است.

برخی از آثار علمی وی بدین صورت است:

۱- مقدمه و تعلیقه بر عظمت حسین بن علی علیه السلام تالیف ابوعبدالله زنجانی (فارسی، تبریز، قم، ۱۳۱۴ ش، ۱۳۸۲)

۲- زندگانی محمد صلی الله علیه و آله وسلم، تالیف مورخ و فیلسوف انگلیسی توماس کارلایل. این کتاب برای بار اول توسط یکی از فضلای مصری به عربی برگردانده شد و سپس توسط امام ابوعبدالله زنجانی به فارسی ترجمه گردید و آنگاه به دلیل اهمیت کتاب مورد توجه آیت الله چرندابی قرار گرفت و معظم له با نگارش مقدمه و تعلیقه بر غنای آن افزود. این کتاب بارها در ایران چاپ شده است.

۳- ده مقاله در موضوعات متنوعه علمی، تاریخی و دینی. ضمیمه زندگانی محمد صلی الله علیه و آله وسلم.

۴- تعلیقه بر رساله ذوالقرنین سد یاجوج و ماجوج، نگارش آیت الله سید هبه الدین شهرستانی.

۵- حاشیه و مقدمه اوائل المقالات فی المذاهب المختارات، تالیف شیخ مفید (عربی، تبریز، ۱۳۶۳ق، ۱۳۷۱ق)

۶- مقدمه و تعلیقه بر اسلام و هیئت، تالیف آیت الله سید هبه الدین شهرستانی (تبریز، ۱۳۴۲ش)

۷- ترجمه تاریخ قرآن کریم، تالیف امام ابوعبدالله زنجانی (تبریز، ۱۳۴۱ش)

مترجم در مقدمه این کتاب می‌نویسد:

به علت ناتوانی جسم و نارسایی چشم نتوانستم مطالبی در موارد لازمه به عنوان تعلیق بر کتاب بیفزایم؛ حالا نزدیک به دو سال است که به مرض روانفرسای دیابت دچار هستم و قریب به دو سال قبل نیز به عللی چند مرض دیگر دامنگیرم شد (اوره خون، فشار خون، آلبومین) امراض چهارگانه روز به روز شدت می‌یافت و حیاتم را کاملاً تهدید می‌کرد و چیزی نمانده بود جان به جان آفرین بسپارم و دیده از دیدن جهان فرو بندم

۸- شرح نهج البلاغه: تالیف علامه ملا صالح (۴ جلد)، با ترجمه مؤلف و تصحیح میرزا علیخان ادیب خلوت.

۹- مقدمه بر نیچریه یا ناتوالیسم، تالیف سید جمال الدین اسدآبادی (فارسی، تبریز، ۱۳۲۷ ش)

وی در مورد برخی دیگر از فعالیت‌های خویش می‌نویسد:

آیت الله سید عبد الحسین شرف الدین عاملی در جواب پاره ای از سؤالاتی را که از آن مرحوم کرده بودم در رساله ای به نام فلسفه الميثاق و الولایه دو بار در لبنان چاپ و انتشار داده‌اند. مقالات عربی ناچیز در مجله جلیله و کهنسال العرفان چاپ صیدا - لبنان، و مقالات فارسی غالباً در مجله وزین «دعوت اسلامی» چاپ کرمانشاهان انتشار یافته است. و اخیراً مقاله مهم السید جمال الدین و رینان دانشمند منتبغ آقای مرتضی مدرس چهاردهی در ماهنامه وزین آیین اسلام در این باره می‌نویسد:

یکی از رشته‌های تاریک زندگانی سیدجمال الدین، انتقاد او بر سخنرانی ارنست رنان حکیم معروف فرانسوی درباره دیانت پاک اسلامی است، کسانی که در خصوص سید تحقیق نمودند بدین نکته که میرسد با اشاره گذشته و به تفصیل سخن نگفته‌اند.

دانشمندان بزرگ اسلامی مانند امیر شکیب ارسلان و سید رشید رضا و علامه فقید محمد قزوینی هر چه در خصوص مقاله رنان و سید کاوش کردند بدست نیاروندند تا به تازگی دانشمند ارجمند آقای واعظ چرندابی که از معارف دانشمندان روحانی مقیم تبریز می‌باشد و ترجمه عربی دو مقاله را بدست آورد. خدا می‌داند که علامه چرندابی تبریزی در

تحصیل متن نوشته های این دو حکیم بزرگ شرق و غرب چه زحماتی کشید و چه رنجهایی برد و به همه فضلا و مورخان معاصر نامه ها و پیک ها فرستاد تا به تازگی یک رادمرد هندی بنام استاد دکتر محمد حمیدالله حیدرآبادی مقیم پاریس مؤلف کتاب (مجموعه الوثائق السیاسیه فی العهد النبوی و الخلافه و الراشده) از روزنامه des dibats از فرانسه به عربی ترجمه و نسخه آنرا برای آقای چرندابی تبریزی ارسال داشتند... را در اثر کوشش فراوان تحصیل و با مقدمه و تعالیق خود در شماره های ۳ و ۴ و ۶ مجلد ۴۶ مجله العرفان طبع و انتشار دادم.

رحلت

سرانجام این رادمرد بزرگ روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۵ (سوم ذیحجه الحرام ۱۳۸۶) در ۷۱ سالگی در زادگاه خویش درگذشت. پیکر مطهر ایشان پس از تغسیل و تکفین و تشییع شایسته و اقامه نماز میت به امامت آیت الله حاج سید حسن انگجی در قبرستان عمومی امامیه دفن گردید
رونوشت مزار آیت الله واعظ چرندابی بدین قرار است :

هو الحی الذی لایموت

لازلت تلهج بالتاریخ مجتهدا

حتی رایتک فی التاریخ مکتوبا

آرامگاه علامه کبیر حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای **حاج میرزا عباسقلی آقا واعظ چرندابی** قدس سره که در روز چهارشنبه سوم ذیحجه الحرام ۱۳۸۶ مطابق ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۵ برحمت ایزدی پیوست و در ردیف مفاخر و نوابغ بزرگ اسلامی در جریده عالم ثبت و ضبط شدند.

لاصوتا الناعی بفقدک انه

یوم علی للرسول عظیم

ان کنت قد غیبت فی جنات البرشی

فالعلم و التوحید فیک مقیم

گزارش خبر ارتحال توسط جراید

با انتشار خبر ارتحال این عالم بزرگ اسلامی مجالس متعدد برگزار گردید و مجلات علمی - فرهنگی و روزنامه های سراسری و منطقه ای خبر وفات وی را چنین گزارش کردند:

روزنامه کیهان :

… در گذشت علامه چرندابی با تأثر عمیق مردم روبرو شد، به همین مناسبت رادیو آذربایجان موسیقی را از برنامه خود حذف کرد، مراسم تشییع جنازه به طرز با شکوهی برگزار شد و در این مراسم علمای اسلامی و روسای سازمان های دولتی و عده زیادی از اهالی شهر شرکت داشتند…

روزنامه مهدآزادی :

مرگ همه کس دردناک و تاسف آور است لیکن مرگ عالم ربانی که عمر گرامی را صرف نجات و هدایت بنی نوع خود کرده و لذتی جز لذت معنوی از لذایذ این دنیای طمطراق نچشیده، بسیار دردناک و ضایعه جبران ناپذیر خواهد بود، صبح دیروز خبر ارتحال حضرت حجه الاسلام والمسلمین، دانشمند محقق و بی بدیل حاج میرزا عباسقلی واعظ چرندابی در شهر تبریز پیچید و در این شب عید، فقدان چنین گوهر نایاب جامعه مسلمین به ویژه اهالی متدین شهر تبریز را که مدتی از افاضات فقیه سعید بهره مند و از مواظب سودمند آن بزرگوار مستفیض شده بودند، عزادار ساخت.

فقیه سعید یکی از علمای طراز اول و شخصیت با تقوی و دانش محسوب و مقام علمی وی در خاورمیانه شهرت فراوانی داشت، زیرا که در طول عمر آنی از تالیف و ترجمه کتاب های دینی و تبلیغ تعالیم اسلامی غفلت نورزیده و پیوسته در کتب فضلی معاصر و سلف سرگرم تحقیق و تدقیق بود…

مجله کهنسال العرفان :

میرزا عباسقلی الواعظ الجراندابی - و نعت ابناء تبریز - ایران فضیله علامه میرزا عباسقلی الواعظ الجراندابی و قد شیعتنه تبریز بالدموع و الحسرات لانه کان رحمه الله من العلماء الواعظین النافعین و لذلك کان الاسف علیه عاما و مشی فی جنازته العلماء و الاعیان و سائر طبقات الشعب و قد اجتمعنا و حینما زرنا ایران فسررنا جدا بلقاءه و اعجبنا بمکتبته تعازینا الحاره لانجائه و عائلته و تبریز بهذا المصاب الفادح

مجله مکتب اسلام :

در آستانه سال نو، جهان اسلام و شیعه یکی از خدمتگزاران صدیق و واقعی خود را از دست داد، خدمتگزاری که متجاوز از پنجاه سال با بیان شیوا و قلم توانای خود به جامعه مسلمانان خدمات ارزنده ای نموده و از حریم عقاید اسلام سرسختانه دفاع علمی و مؤثر کرده و آثار گران بهایی از خود به یادگار گذاشته است.

او به مصداق فرمایش حضرت صادق علیه السلام «العالم بزمانه لانهجهم علیه اللوابس» روح زمان را درک کرده و خطرات بزرگی را که از طرف دشمنان اسلام متوجه آن بود، در دل آگاه خود احساس نموده بود و همواره در محیطی که می زیست، بسان یک سرباز شبهات و خطراتی را که متوجه اسلام می شد، دفع می نمود…